

گذری برچالش‌های اجرایی بهداشت و درمان

در آنجاچنین آمده است: «نتایج این بررسی نشان می‌دهد که معاونت‌های بهداشتی دانشگاه‌ها چالش‌های متعددی دارند که به دلیل مزمن بودن آنها و اضافه شدن بار اجرای برنامه پزشکی خانواده و نظام ارجاع، مضاعف شده است و آثار آن هم در حوزه ستادی و هم در دانشگاه‌های مجری برنامه پزشکی خانواده مشهود است. چالش‌ها در هر سه حیطه تولیدی، منابع و خدمات از نظر گویه‌ای توزیع متوازنی ندارند و حیطه تدارک خدمات و منابع عمده‌ترین مشکلات را دربر دارند، اما راهکارهای ارایه شده از طرف شرکت‌کنندگان بر اصلاح تولیدی حوزه بهداشت تاکید دارد و تراکم گویه‌های مطرح شده در حیطه تولید بیشتر است. دانشگاه‌ها مقصر اصلی مشکلات پدید آمده را ستاد وزارت بهداشت می‌دانند.»

فراز پایانی را دوباره می‌خوانیم: «دانشگاه‌ها مقصر اصلی مشکلات پدید آمده را ستاد وزارت بهداشت می‌دانند!» پرسش این است: این همکاران مگر برگزیده‌ی آن ستاد نیستند؟ مگر آنها سد نخست کارگزاری وزارت بهداشت نیستند؟ پس خود مسوول هرگونه چالش در سراسر کشور هستند. اگر ناروایی در کار باشد، کار خود آنها است و خود کرده را تدبیر نیست.

مدیریت توانمند و ترازمند، در گرو اجرای قانون است. در این زمینه پرداختن به چالش‌های بهداشت کشور، بی‌نگرش به نابسامانی‌های نهادینه شده در همه رده‌های سامانگری سازمان‌های وابسته به وزارتخانه، کاری بیهوده و هرگز کارساز نخواهد بود.

کاهلی در اجرای قانون به ویژه برای دیده‌بانان و نگاهبانان قانون در راستای بهداشت و درمان، راه را برای گسترش و نهادینه شدن تباهی در همه‌ی یاخته‌های این پایه‌ای‌ترین سامانه‌ی زندگی مردم باز می‌کند. برای نمونه اگر ریاست یک سازمان که خویشکاری نگاهبانی درمان و نیز پایش کارهای پزشکان را داشته باشد، خود دچار نارواکاری باشد، آیا توان پیشگیری از نارواکاری‌های همکاران دیگر را دارد؟

در «فصلنامه دانشکده بهداشت و تحقیقات بهداشتی، سال ۱۳۹۴» نوشتاری خواندم با فرنام: چالش‌ها و راهکارهای توسعه حوزه بهداشت کشور، از دیدگاه معاونان بهداشت دانشگاه‌های علوم پزشکی و روسای مراکز بهداشت استان‌ها. برآستی خواندنی بود.